درگذشتگان

خانم‌ها:
حاجیه خانم خوانساری
قدسی حجتی
توران هندسی
حاجیه خانم حسینی زنوز
ملک‌تاج یزدان‌پناه
حاجیه خانم زرگرانی

خانواده‌های سوگوار:
خوانساری، نبوی، رجبی
نوربخش، حجتی، کیانفر
هندسی، رادفر، مجیدی
حسینی زنوز، جوادی زنوز
یزدان‌پناه، خمسی، صنیعی
زرگرانی

آقایان:
علی‌اصغر زورچنگ
مهندس ابوالقاسم حیدرزاده
علی اصغر (مهدی) تهرانی
سرهنگ ناصر امینی
سرتیپ محمود متین‌نژاد تهران
انوشیروان مواهبی طباطبائی
دکتر محمود ریاض داوودی
دکتر ایرج منشی‌پور
علی بهرامی
بیوک تلیسچی‌زاده
محمدرضا اشراقی
دکتر علاءالدین منوچهری
زورچنگ، امینی، اصغری‌وند
حیدرزاده، شعله، جعفری
تهرانی، علوی
پورهاشمی، امیری
متین‌نژاد تهرانی، هروی، باقری
مواهبی طباطبایی، براتی
ریاض داوودی، ملاصالحی، گروسیان
منشی‌پور، بهزادیان
بهرامی
تلیسچی‌زاده، بهزادنیا، نارچی
اشراقی، زندی، نوین‌فر
منوچهری، مرادی، گلشن

در سوگ مرضیه

بیش از سی سال آزگار، جامعهٔ ایرانی، چه در داخل و چه در خارج، از حضور ملموس مرضیه، هنرمند برجسته و ملی، و طنین صدای جانبخش او محروم بوده است.

در سوگِ فقدانش، این ضایعهٔ جبران ناپذیر را به دوستداران و خویشان نزدیک او، به ویژه نوه‌اش جانان خرّم، و برادرانش حسین مرتضائی و نجم‌الدین مرتضائی تسلیت می‌گوئیم.

مریم و هدایت متین دفتری

۱۵۰۰۴

تسلیت

درگذشت جانگداز اسطوره آواز ایران

بانو مرضیه

ما دوستان مطبوعاتی و دوستداران او را نیز در غم و اندوه نشانده است.

این ضایعه جبران ناپذیر را به خانواده و بستگان او به ویژه نوه هنرمندش جانان خرم و نیز جامعه هنری ایران تسلیت می‌گوئیم.

احمد احرار ـ صدرالدین الهی ـ علیمحمد اربابی ـ نازنین انصاری ـ جمال بزرگ زاده ـ الاهه بقراط ـ منصوره پیرنیا ـ جمشید چالنگی ـ بهمن چهاردهی ـ آرشیا حدیدی ـ گیلدا حسینی ـ محمدرضا حمیدی ـ هادی خرسندی ـ کمال خرسندی ـ شمسی و دکتر ناصر رحیمی ـ محمدرضا رزاقی ـ شیرین رضویان ـ فریده رهبر ـ امیر طاهری ـ شیماء غلامی ـ مونا غلامی ـ رویا قدک ـ ناصر محمدی ـ ایرج مصباح‌زاده ـ پرویز مصباح‌زاده ـ علیرضا نوری‌زاده ـ لعبت والا مهرداد افشار ـ شهید امیری ـ بهمن بیدرنگی ـ توکل زاده ـ عفت داداش‌پور ـ منوچهر دستوری ـ بیژن خلیلی ـ مازیار سیروس ـ فریبرز شاهرخی ـ فرامرز شهناز ـ محمد ابراهیم شیرازی ـ احمد صالحی ـ بهنام فیاضی ـ نقیب زاده

درگیری مأموران لباس شخصی با محمد اولیایی فرد و خانواده وی

به‌گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، یک مأمور لباس شخصی که با اسلحه وارد بیمارستان شده بود، با خانواده محمد اولیایی فرد که قصد ملاقات با وی را داشتند درگیر شده و در مقابل آنها رفتارهای زننده و توهین آمیزی از خود نشان داد.

همسر محمد اولیایی فرد که با دیدن وی در مطب پزشک، قصد احوالپرسی از او را داشت، توسط مأمور نامبرده مورد بی‌احترامی لفظی قرار می‌گیرد و با اسلحه به سمت وی حمله‌ور می‌شود. در این اثنا که آقای اولیایی فرد قصد دفاع از همسر خود را داشت، او نیز مورد حمله قرار گرفت .

مأموران حراست بیمارستان با دیدن این رویداد فرد مسلح را خلع سلاح کرده و اولیایی فرد را مجددا به زندان منتقل کردند. برخوردهای ناشایست با زندانیان سیاسی که از سوی نهادهای رسمی و مخفی صورت می‌گیرد همواره یکی از معضلاتی است که زندانیان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

محمد اولیایی فرد که احتمال ابتلا به بیماری سرطان به علت غددی که در بدن وی مشاهده شده است زیاد است، پیشتر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی پیر عباس به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شده بود.این در حالی است که وی از آنجا که خود حقوقدان می‌باشد، هیچ رفتار یا عملی که طبق قانون جرم محسوب شود از خود بروز نداده است. صرفا به خاطر دفاع از حقوق قانونی موکلین خود مورد کینه دادستان تهران قرار گرفته و حتی دستگیری و به زندان افکندن وی هم در روالی کاملا غیرقانونی صورت گرفته بود.

پاسخ وجه اشتراک

از صفحه ۱۳

اینان همگی به جز هنرپیشگی، کارگردانی فیلم نیز انجام داده‌اند

پاسخ سؤالات

(۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ)

از صفحه ۱۳

۱ ـ کرواسی
۲ ـ چارلی چاپلین
۳ ـ دوبلین
۴ ـ سرینا ویلیامز
۵ ـ اردو
۶ ـ بیست بار
۷ ـ نیومکزیکو
۸ ـ هامبورگ
۹ ـ با خنجر به قتل رسید
۱۰ ـ گلو

درگذشت دکتر عبدالحمید گنجویان

با کمال تاسف باخبر شدیم دکتر عبدالحمید گنجویان (میربرنا) استاد پیشین دانشگاه تبریز و قطب سلسله ذهبیه جمعه پیش در شهر ساوتمپتون انگلستان چشم از جهان فرو بسته است. دکتر حاج عبدالحمید گنجویان تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاههای فرانسه و فیلادلفیای آمریکا به پایان رساند و پس از بازگشت به ایران سالها در مقام استادی و ریاست گروه بیماریهای پوست دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز به تدریس و آموزش پزشکان و مداوای بیماران مشغول بود.

مجلس یادبود شادروان دکتر گنجویان روز جمعه این هفته در خانقاه ساوتمپتون برگذار خواهد شد.

بزرگداشت مهدی سمیعی در آئین بیست و هشتمین سالگرد پایه‌گذاری کانون ایران در لندن

شامگاه جمعه گذشته سالن کتابخانه مرکزی شهرهای منطقه کنزینگتون شاهد برگذاری آئین مهرگان و بیست و هشتمین سالگرد پایه‌گذاری کانون ایران در لندن بود. در این مراسم که به یاد و به نام روانشاد مهدی سمیعی پایه‌گذار این نهاد فرهنگی برپا شده بود و جمع کثیری از ایرانیان و ادب دوستان در آن شرکت داشتند، ابتدا دکتر قاسمی دبیر کانون با اشاره به آئین باستانی مهرگان و تقارن آن با تاریخ تأسیس کانون فلسفه این مناسبت سنتی را که بعد از نوروز بزرگترین آئین باستانی ایرانیان بوده است باز گفت و سپس از روانشاد مهدی سمیعی یاد کرد که از اولین روزهای خودتبعیدی و زندگی در غربت در اندیشه پایه گذاری یک سازمان فرهنگی بود و این نهاد را که ۲۸ سال است به خدمات فرهنگی اشتغال دارد پایه نهاد ولی اجرائیات آن را به عهده وی گذاشت. دکتر قاسمی پس از اشاراتی مختصر به آنچه کانون ایران انجام می‌دهد از همکاران گذشته و حال و هیأت عامل و همه کسانی که به این نهاد فرهنگی کمک می‌کنند (از جمله کمک سالانه بنیاد میراث ایران Iran Heritage Foundation) و همه سخنرانان و شاعران و ادیبانی که در جلسات ماهانه این نهاد فرهنگی بدون مزد و منت سخن می‌رانند سپاسگزاری کرد و رشته سخن را به آقای خداداد فرمانفرمائیان رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه سپرد و ایشان که از دوستان دیرین و همکاران پیشین مرحوم سمیعی بودند طی سخنان مشروحی ویژگیهای برجسته انسانی و خصوصیات اخلاقی و منش اداری و خدمات آن زنده یاد را برشمرد و سپس خانم دکتر مطلوبی (سروش ایزدی) با نوای دلنشین خود به هنرنمائی پرداخت و در پایان دکتر هادی زمانی مدرس پیشین دانشگاه لندن و پژوهنده مسائل اقتصادی و اجتماعی راجع به سیاست برنامه ریزی در دوران سلطنت پهلوی دوم و مقایسه آن با دوره پس از انقلاب سخن گفت و ویژگی هر یک را توضیح داد و در پایان با کیک سالگرد کانون از حاضران پذیرایی به عمل آمد.

تاجزاده : هیچ یک از ما شکایتمان را پس نگرفته‌ایم

سید مصطفی تاجزاده صبح امروز با همسرش ملاقات و گفتگو کرد.

به گزارش تحول سبز، تاجزاده در ملاقات با همسرش در واکنش به خبر برخی نشریات ارگان اسلام طالبانی-پادگانی مبنی برباز‌پس گیری شکایت ۷ شاکی از کودتاگران نظامی توسط ایشان گفت: باید بگویم هیچ یک از ما شکایتمان را پس نگرفته و نمی‌گیریم و اساسا در زندان بودن ما با این وضعیت، به همین علت است و دستگاه قضایی باید به مردم توضیح دهد که چرا به شکایت ما ترتیب اثر نمی‌دهد. تعلل قوه قضائیه در این زمینه به این معنی است که اراده مافوق آن مانع رسیدگی به شکایت ما از کودتاچیان است.

یک فعال سیاسی بیش از ۱۵ سال است در زندان بسر می‌برد

جمال امین‌زاده، زندانی سیاسی بیش از ۱۵ سال است که در زندان گنبد کاووس بدون هیچ گونه مرخصی و ملاقاتی، محبوس است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این زندانی سیاسی در سن ۱۵ سالگی بازداشت و به اتهام عضویت در احزاب کردی معاند نظام به حبس ابد محکوم شده است.

جمال امین‌زاده، به دلیل فوت پدر و مادر، عملا هیچ کسی را خارج از زندان ندارد که وضعیتش را پیگیری کند.

هم چنین وی در طی مدت محاکمه از داشتن هرگونه وکیل محروم بوده است.

زندان گنبد کاووس فاقد امکاناتی در حد معمول است، و محل نگهداری زندانیان عادی می‌باشد.

شهروند ۷۱ سالهٔ ایرانی ـ آمریکایی پس از ۳۰ ماه زندان آزاد شد

رضا تقوی، شهروند ایرانی ـ آمریکایی، پس از ۳۰ ماه زندان روز شنبه از زندان اوین آزاد شد. این تاجر بازنشسته ۷۱ ساله ساکن کالیفرنیا متهم بود که ۲۰۰ دلار به فردی مرتبط با یک گروه مخالف کمک کرده است.

وکیل خانواده رضا تقوی روز شنبه گفت این شهروند ایرانی- آمریکایی آزاد شده است و انتظار می‌رود به زودی ایران را ترک کند.

در همین زمینه، رضا تقوی به شبکه تلویزیونی «ای.بی.سی» آمریکا گفته است: «بعضی وقت‌ها عصبانی می‌شوم، بعضی وقت‌ها احساس راحتی می‌کنم. چه اتفاقی افتاد؟ دو سال و نیم زندان برای چه؟»

رضا تقوی اضافه کرده است: «من هفتاد و یک سال دارم. من زمانی ندارم. برای یک پیر مرد هفتاد و یک ساله دو سال و نیم زندان زمان طولانی است.»

به گزارش «ای.بی.سی»، به هنگام آزادی رضا تقوی مهناز همسرش در بیرون از آپارتمانشان در شمال تهران به انتظار وی ایستاده بود.

مهناز به «ای.بی.سی» گفته است: «آنچه من می‌خواهم این است که او را به خانه‌مان در لس آنجلس ببرم تا فرزندان و خانواده‌اش را ببینند.»

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، خانواده رضا تقوی می‌گویند که وی به بیماری «دیابت» مبتلا است و وضعی جسمی وی خوب نیست.

به‌گفته مقامات ایران رضا تقوی به فردی مرتبط با گروه «تندر» ۲۰۰ دلار کمک کرده است. گروه «تندر» برپایه گزارش‌هایی که منتشر شد، مسؤولیت بمب‌گذاری روز ۱۲ آوریل سال ۲۰۰۸ در مسجد سیدالشهدا شهر شیراز را برعهده گرفت؛ این گروه خواستار برپایی نظام پادشاهی در ایران است.

پیر پروسپر، وکیل مدافع آقای تقوی، سال گذشته به شبکه «سی‌ان‌ان» گفته بود: رضا تقوی در ماه آوریل ۲۰۰۸ همراه با همسرش به تهران رفت. قبل از رفتن به ایران یکی از آشنایان از وی درخواست کرد که مبلغ ۲۰۰ دلار را به دوستی در تهران برساند و ظاهرا همین مساله برای او دردسرآفرین شده است.

به گفته وکیل مدافع آقای تقوی، او فرد دریافت‌کننده این مبلغ را نمی‌شناخته است. دو هفته پس از تحویل این پول او توسط ماموران دولتی و به جرم همکاری با یک گروه مخالف دولت به نام «تندر» بازداشت می‌شود.

به گفته لیلا، دختر رضا تقوی، این خانواده قبل از انقلاب ایران به آمریکا مهاجرت کرده و در کالیفرنیا ساکن شدند و آقای تقوی یک موسسه تولید بازی‌های کامپیوتری تاسیس کرد که حدود ده سال پیش و به هنگام بازنشستگی آن را به پسر خود سپرد.

فشار بر اعضای انجمن صنفی معلمان استان کردستان

در ادامه فشار بر اعضای انجمن صنفی معلمان استان کردستان، طی روزهای اخیر یک فرهنگی دیگر به نام شیوا عاملی راد به حراست آموزش و پرورش مریوان احضار شد.

به گزارش خبرنگار آژانس خبری موکریان، نامبرده که معلم مدارس راهنمایی در مریوان و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان می‌باشد از طرف مسؤول حراست مورد بازجویی و بازخواست قرار گرفته است.

شایان ذکر است هفته گذشته نیز حیدر زمان معلم سنندجی و یکی دیگر از اعضای انجمن صنفی معلمان استان کردستان به ستاد خبری اداره اطلاعات این شهر احضار شده بود که پس از۴ ساعت بازجویی در رابطه با مصاحبه با رسانه‌ها، آزاد گردید.

وبلاگ ترانه علیدوستی فیلتر شد

به‌گزارش سحام نیوز در ادامه بازتاب‌های مربوط به جشن خانه سینما، وبلاگ ترانه علیدوستی، بازیگر سینما و تاتر از سوی مقامات مسؤول فیلتر شد.

ترانه علیدوستی از اظهارات اصغر فرهادی کارگردان منتقد سیاست‌های وزارت ارشاد در جشن خانه سینما حمایت کرده بود. وبلاگ ترانه علیدوستی در سرویس خدمات وبلاگی «بلاگفا» قرار داشت.

سید محمد حسینی وزیر ارشاد در واکنش به وقایع جشن خانه سینما گفته بود: این که بعد از گذشت یک سال و خُرده‌ای از داستان انتخابات یکی بیاید و با دستبند سبز برود بالای سن درست نیست. سال گذشته که این اتفاقات در مورد بعضی از هنرمندان افتاد، گفتیم اینها به هر حال روح لطیفی دارند و شاید به طور عمیق وارد مباحث سیاسی نشده‌اند اما الان دیگر اگر کسی بخواهد جنبش مُرده سبز را زنده کند، معنی ندارد.

ترانه علیدوستی فرزند حمید علیدوستی، فوتبالیست قدیمی و مربی تیم فوتبال، متولد ۱۳۶۲ است و یک بار سیمرغ بلورین بازیگر نقش اول زن از بیستمین جشنواره فیلم فجر را کسب کرده است.

احضار و تهدید همسر و عروس منصور اسانلو

همسر و عروس منصور اسانلو فعال کارگری روز شنبه گذشته طی یک تماس تلفنی به دادگاه انقلاب احضار شدند.

به گزارش رسیده به جرس، مأموران امنیتی طی این تماس که با تهدید و بی‌حرمتی همراه بود، با لحنی غیرمؤدبانه همسر و عروس این فعال کارگری را احضار کردند.

پیش از چندین بار عروس اسانلو مورد حمله گروهی ناشناس قرار گرفته و ضرب و شتم ناشی از این حملات باعث بستری شدن وی در بیمارستان شده است.

منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه که از ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶ برای تحمل حکم پنج سال حبس در بازداشت است در زندان دچار ناراحتی‌های حاد مختلفی مانند ناراحتی قلبی، کمر درد و ناراحتی چشم شده است و تا به حال سه بار پزشک قانونی رای به عدم تحمل حبس او را داده که طبق قوانین موجود او باید آزاد می‌شد.

بعد از آن کمیسیون پزشکی که از پنج پزشک تشکیل شده بود او را برای چندین ساعت تحت معاینه‌های پزشکی قرار داد و نهایتاً در گزارش خود به‌صورت ضمنی رأی به آزادی وی داد.

در مرداد ماه سال جاری نیز در غیاب وکیل با اتهامی تازه محاکمه شد مجدداً به یک سال حبس محکوم شد که اجرای آن از پایان محکومیت فعلیش آغاز می‌شود.

یادداشتهای بی تاریخ

از صفحه ۱۱

ایران، اسلام و «روشنفکران عامی»

و یا در این دو بیت:

تو این پیر فرتوت بی‌توبه مرد
خرد گیر و از بزم و شادی بگرد
جهان تازه شد چون قدح یافتی
روان از در توبه برتافتی

معلوم است که ندای وجدان شاعر را معذّب می‌داشته که چرا در کهولت نمی‌تواند از میخوارگی دست بکشد و بر سر توبهٔ خود باقی بماند؛ و شاعر ناامید و ناتوان و سرخورده، دوباره به جام می متوسل می‌شده:

نگارا بهارا کجا رفته‌ای؟
که آرایش باغ بنهفته‌ای
همی مهرگان بوید از باد تو
به جام می اندر کنم یاد تو

چنان که گفتیم اگر فردوسی اعتقادات قوی مذهبی نداشت، از میخوارگی احساس گناه نمی‌کرد و در توبه اصرار نمی‌ورزید. بنابراین تصور این که فردوسی یا اسلام‌ستیز بوده و یا عقلش نمی‌رسیده که رسول اکرم (ص) یا حضرت علی(ع) عرب بوده‌اند و مذهب او ارمغان اعراب است، از تصوراتی است که با آنچه که از حیات و عقاید شاعر ملی خودمان از خلال شاهنامه می‌دانیم نمی‌خواند. نه فردوسی و نه دیگر بزرگان علم و ادب ما نژادپرست و اسلام‌ستیز نبوده‌اند. این فکر و خیالات، عادات جدید و سخیفی است که اولی ریشه در اخذ پست‌ترین خصوصیت غربیان، یعنی تبعیضات نژادی دارد، و دومی از آبشخور بیسوادی و بی‌اطلاعی «روشنفکران عامی» ایرانی از فرهنگ و تاریخ ایران بعد از اسلام تغذیه می‌شود. والسّلام.

کتابخانهٔ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، لس‌آنجلس

بازداشت وزیر ارشاد ...

از صفحه ۱۴

ایران به‌عنوان یک عضو سازمان ملل متحد از طریق قراردادها و معاهده‌ها و پیمانها با سایر کشورها مربوط است که بر اساس آن می‌بایستی نمایندگان سایر کشورها که در سفارتخانه‌های مربوطه خدمت می‌کنند و همچنین اتباع آن کشورها مورد احترام و دور از هر گونه آزار و صدمه‌ای قرار گیرند.

به‌موجب این معاهده‌ها این افراد حتی در صورت ارتکاب خطاهایی که مغایر قوانین کشور است از مصونیت برخوردارند و شایستهٔ کشوری که خود پیمانها و معاهدات خود را محترم می‌شمارد نیست که کلیه معاهدات و قراردادهای منعقدشده با دیگران را پایمال نماید.

این یک اقدام خودسرانه‌ای بود که از عدم حس مسؤولیت و کینه و نادانی سرچشمه گرفته بود به‌ویژه که این اقدام دیپلماتهای ایرانی مقیم آمریکا را با همان سرنوشت تهدید می‌کرد و چنانچه دولت ایالات متحده معامله به‌مثل می‌نمود و دویست دیپلمات ایرانی را که در آن هنگام در آمریکا بسر می بردند بازداشت می‌کرد بحران گروگانها بیست و چهارساعته پایان می‌یافت، همانطور که در مورد گروگانگیری کارمندان عراقی در خوزستان انجام گرفت؛ زیرا پس از اینکه خمینی که دستور بازداشت عراقی‌ها را داده بود متوجه شد که چنانچه در خلال مدت بیست و چهار ساعت آنان را آزاد نکند کلیه کارمندان ایرانی مقیم عراق دچار همان سرنوشت خواهند شد و لذا فوراً آنان را آزاد کرد و با هواپیمای اختصاصی به بغداد فرستاد.

منتهی آمریکایی‌ها معاملهٔ به‌مثل نکردند و رفتار آنان چنین مورد تفسیر قرار گرفت که یا آن توجه لازم را به موضوع گروگانگیری ننموده‌اند و یا اینکه ادامهٔ آن بیشتر منافع آنها را تضمین می‌نمود زیرا اگر اقدام متقابل می‌نمودند نمی‌توانستند مبلغ ۹ میلیارد دلار را برای مدت یک‌سال و نیم و بدون پرداخت بهره که بالغ بر دومیلیارد دلار می‌شد، بلوکه نمایند. از طرف دیگر اگر مسألهٔ گروگانگیری را ظرف بیست و چهار ساعت حل می‌کردند دیگر نمی‌توانستند رژیم خمینی را ادب کنند و آن را درس عبرتی برای سایرین قرار دهند.

شاید خمینی و اطرافیان وی تاکنون پی نبرده باشند که آزاد گذاشتن دیپلماتهای ایرانی در آمریکا هنگامی که دیپلماتهای آمریکایی در سفارت خود در تهران بازداشت بودند جزء طرحی بوده که تاکنون همه ابعاد آن کشف نشده است.

دیپلماتهای ایرانی همچنان در سراسر قاره آمریکا مشغول کارهای خود بودند تا هنگامی که کارتر روابط خود را با ایران قطع نمود و آنان را وادار به خروج از آمریکا ساخت.

ادامه دارد

فعالیت‌های شاهدخت اشرف...

از صفحه ۱۴

استادان در محل، کافی نبودن کادر اداری، نداشتن کتابخانهٔ مورد نیاز، نداشتن لابراتوارهای لازم و بطور کلی وسائلی که برای گرداندن یک دانشگاه مورد نیاز است.

مسؤولیت این دانشگاه به‌عهدهٔ آقای دکتر داود کاظمی پزشک عالیقدر بود و هنگامی که من در استانداری خوزستان بودم ایشان برای رفع بعضی مشکلات و بیشتر برای درد دل به دفتر من می‌آمد و به‌حالت تضرع اظهار می‌داشت که در تهران کسی به حرف من گوش نمی‌دهد و پیشنهاد می‌کرد شما ریاست دانشگاه را قبول کنید و من زیر دست شما کار می‌کنم شاید حرف شما را بشنوند و فکری به حال این دانشگاه بکنند.

به‌هرحال، این بود بطور خلاصه وضع سازمانهایی که در حوزهٔ مأموریت جدید من قرار داشت.

ـ این سازمانها هر کدام تحت ادارهٔ مدیرانی بود که از رجال سرشناس و خوشنام بوده و مقامات مهم مملکتی از قبیل وکالت مجلس شورای ملی، سناتوری و وزارت را طی کرده بودند و در کار خود تجارب بسیاری داشتند. مانند آقایان دکتر جواد آشتیانی، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر نصرت‌الله کاسمی و آقای دکتر منوچهر گنجی رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران. بنابراین، مسؤولیت و وظیفهٔ من مربوط به برقراری یک نوع همکاری بین این سازمانها و در پاره‌ای موارد رفع مشکلات آنها با دستگاههای دولتی بود زیرا به‌استثنای آقای دکتر گنجی که از طبقهٔ مدیران جوان بوده و با مقامات بالای دولتی آشنایی و همکاری داشت، سایر آقایان به‌علت داشتن سن بالا و سوابق کاری گذشته، آنطور که باید و شاید با وزرا و مدیران جوان آشنایی نداشتند و بنابراین کارهایی را که در ارتباط با دستگاههای دولتی پیش می‌آمد به کارمندان خود احاله می‌دادند که آنها راهی به مقامات بالای وزارتخانه‌ها نداشتند. در زمانی که والاحضرت اشرف در تهران بودند به‌عهده داشتند و مسائل مربوطه را مستقیماً به نخست‌وزیر یا وزرای مربوطه ارجاع می‌کردند مشکلی پیش نمی‌آمد ولی در غیبت طولانی ایشان از تهران، حل مسائل مربوط به تأمین اعتبارات و یا اجازه‌های دولتی با کندی زیاد پیش می‌رفت.

با آمدن من که با اغلب آقایان وزرا روابط دوستی و همکاری و سوابق طولانی داشتم، این مشکل برطرف شد و در حقیقت کار من، گره‌گشایی برای این سازمانها بود و برقراری ارتباط با دستگاههای دولتی.

در این زمان فقط سازمان زنان ایران بود که تشکیلات و بودجه منظمی نداشت و در حقیقت مراحل اولیه تشکیل یک سازمان گستردهٔ مملکتی را می‌پیمود و بنابراین قسمت مهمی از وقت من صرف رفع مسائل اداری و حقوقی این سازمان می‌شد. به‌عنوان مثال، خانمهای عضو شورایعالی این سازمان، شکایت داشتند که هرچند موضوع برابری بانوان با آقایان و رفع تبعیض از آنها جزء برنامه‌های انقلاب سفید منظور شده و در موارد متعدد پادشاه مملکت در این باره تأکید فرموده‌اند معذلک وجود قوانین فعلی مملکت مانع بزرگی برای اجرای چنین اصلی است و تا زمانی که این قوانین اصلاح نشود نباید انتظار داشت که تغییر فاحشی در وضع حقوقی و اجتماعی بانوان به‌عمل آید زیرا ملاک عمل دادگاههای کشور قوانینی است که در آنها حقوق مساوی با مردان برای طبقهٔ بانوان پیش‌بینی نشده است.

برای رفع این مشکل با اجازهٔ والاحضرت اشرف، از آقای اشرف احمدی قاضی دیوان عالی کشور که در دولت آقای دکتر اقبال سمت وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر را داشتند، تقاضا کردم کمیسیونی با شرکت تعدادی از قضات دادگستری و حقوقدانان برجستهٔ کشور تشکیل داده و مواردی را که در قوانین مختلف در مورد این عدم تساوی حقوق بانوان وجود دارد تعیین نموده و راه حل‌هایی برای رفع تبعیض پیشنهاد نمایند. ایشان نیز که حقیقتاً یکی از شریفترین رجال کشور بودند این تقاضا را قبول کردند و چندین تن از قضات باسابقه دادگستری و حقوقدانان سرشناس را انتخاب کردند و اولین جلسهٔ آن با حضور چند تن از بانوان شورایعالی سازمان زنان در دفتر من تشکیل گردید و ترتیبی داده شد که وسایل کار آنها از هر جهت فراهم شود.

حدود یکی دو هفته بعد، آقای علم وزیر دربار تلفن کردند و از من خواستند که فوراً به دفترشان بروم. به‌محض این که مرا دیدند پیش از معارفه، گفتند شما در دفترتان مشغول تشکیل چه جلساتی هستید که خبر آن باعث عصبانیت و ناراحتی اعلیحضرت شده و به من امر فرموده‌اند رسیدگی کنم و شما را تحویل دادگاه نظامی بدهم. سؤال کردم منظورتان چه نوع جلساتی است؟ گفتند کسانی گزارش داده‌اند که شما جلساتی را با عده‌ای از قضات دادگستری تشکیل داده‌اید و مشغول توطئه‌ای هستید که بنیان مملکت را زیر و رو کنید.

به‌شنیدن این حرف، متوجه شدم منظور چیست. برایشان توضیح دادم که جریان از چه قرار است و در حقیقت در اجرای یکی از اصولی است که اعلیحضرت اعلام فرموده‌اند و شخصی هم که آن را اداره می‌کند آقای اشرف احمدی است که مورد عنایت شاهنشاه می‌باشد. با شنیدن توضیحات من، آقای علم خیالشان راحت شد و گفتند حالا متوجه شدم و باید حتماً کار یکی از این آخوندها باشد که چنین گزارشی داده است . نگران نباشید و کار خودتان را بکنید.

دنباله دارد

نامه هشدار دهنده محمد نوری‌زاد

از صفحه ۸

یادتان هست چندسال پیش، مردمان معترض فرانسه، چه به روز پاریس و سایر شهرهای فرانسه آوردند؟ همه جا را سوختند و تخریب کردند و غارت کردند؟ آیا جز از پلیس، توپ و تانکی به میدان رفت؟ و آیا تیری شلیک شد؟ شیوهٔ مردم‌داری کدام یک، درست است؟ خدای متعال، کدام رویه را تأیید می‌کند؟

۱۵- پلیس آمریکا، هیچ گاه با سلاح گرم، معترضین خیابانی خود را از پا در نمی آورد. روال کلی جامعه آمریکا که چنین است. مگر مواردی بسیار معدود. همین پلیس، با اتومبیل خود، به سمت مردم یورش نمی‌برد و کسی را زیر نمی‌گیرد. و یا حتی مردم تظاهرکننده را ـ گرچه مجوز راهپیمایی نیز نداشته باشند ـ از بالای پل به زیر نمی‌اندازد. یا پلیس، یا هر جریان حکومتی. وقوع یک چنین حادثه‌هایی یعنی ظلم. ظلم است که دست به ریشهٔ انقلاب‌ها و زحمت‌ها و فداکاری‌ها می‌برد، و بساط برقراری یک حکومت را در هم می‌پیچد. متأسفانه در کشور ما، و در این سال های پس از انقلاب، مشاهدهٔ یک چنین وقایعی، دور از دسترس نبوده است. مرگ بی دلیل یک نفر در آمریکا، «موج» ایجاد می‌کند. نزد ما، موجها، نه به خون بی‌گناهان، که مثلاً به پاره شدن عکسی از امام، بند است. این موج‌های دروغین، به دلیل آنکه امر حقی را خود ندارند، به اضمحلال ارکان جامعه ما می‌انجامند. که یک جا، خونی بر زمین ریخته می‌شود و بزرگان جامعه متأثر نمی‌شوند، درعوض اما، به خاطر پاره شدن یک عکس، گریبان چاک می‌کنند و از فرط خشم، کف بر لب می‌آورند.این تفاوت استخوان بندی ارکان اجتماعی آمریکا و خود ماست. به نظر شما، کدام یک از ما، به درستی، به انصاف، به عدل، به خدا، به اسلام، و به نهضت پیامبران روی داریم؟ آنها ؟ یا ما که به اسم اسلام حکومت به پا کرده‌ایم؟

رنگ علف شدم ولی خوراک خر نمی‌شوم

طنز ایرانی بر صحنه
نمایش تازه هادی خرسندی
همراه با عکس‌ها و ویدئوهای باور کردنی!
(چیزی مونده که باور نکنیم؟)
۱۵ آبان – ۶ نوامبر در پولیش سنتر
تلفن اطلاعات و رزرو:
020 8202 9835
07888 75 22 76
۴۱۵۲۶